

## بررسی رابطه ی سبک های فرزندپروری با رشد اجتماعی و خودپنداره دانش آموزان دختر و پسر ابتدایی

مرتضی خسروی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه شهید مدنی تبریز

### چکیده

این پژوهش با هدف تعیین رابطه بین سبک های فرزندپروری والدین با خودپنداره و رشد اجتماعی دانش آموزان ابتدایی انجام گرفت. روش این پژوهش از نوع همبستگی می باشد. آزمودنی های این پژوهش را ۲۰۰ نفر از دانش آموزان ( دختر و پسر ) پایه ی چهارم و پنجم مقطع ابتدایی استان کرمانشاه و والدینشان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ تشکیل می دهند که بر اساس نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب شده اند و به کمک پرسشنامه سبک های فرزند پروری بامریند (۱۹۷۳)، پرسشنامه رشد اجتماعی وایلند (۱۹۶۵) و پرسشنامه زمینه یابی خودادراکی پی ریت منداگلیو مورد ارزیابی قرار گرفته اند. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده ها حاکی از آن است که بین سبک های فرزند پروری والدین و خودپنداره و رشد اجتماعی دانش آموزان رابطه معنی داری وجود دارد. شیوه فرزندپروری استبدادی به طور منفی و شیوه های فرزندپروری آزاد منشانه و مقتدرانه به طور مثبت رشد اجتماعی و خودپنداره را در دانش آموزان پیش بینی می کنند. ولی شیوه فرزندپروری مقتدرانه می تواند به طور قوی تری رشد اجتماعی و خودپنداره مثبت را در دانش آموزان پیش بینی کند.

**واژه های کلیدی:** سبک فرزندپروری، رشد اجتماعی، خودپنداره، دانش آموزان ابتدایی.

## مقدمه

مطالعه روابط والدین و کودک از جمله بحث های مهم در روانشناسی است. در زندگی انسان هیچ نهادی به اندازه خانواده، در پرورش و تکوین شخصیت، رشد اجتماعی و خودپنداری مؤثر نیست. این نهاد، نقش مهمی را در سلامت، رشد و پیشرفت اعضای خانواده ایفا می کند (لطف آبادی، ۱۳۸۰). تحقیقات نشان داده است تعامل بین فرزندان و والدین و چگونگی برقراری ارتباط والدین با فرزندان، مهم ترین و اساسی ترین عوامل در بین عوامل مختلفی است که بر پرورش و شخصیت سالم کودکان تاثیر می گذارد (کیمبل، ۲۰۱۵) رشد مثبت در دوران کودکی، پایه و اساس شخصیت، خانواده و جامعه سالم است (دارلینگ و لیپمن، ۲۰۱۶).

از جمله مهمترین عوامل مؤثر بر روند رشد کودک نوع و شیوه تربیتی یا به اصطلاح سبک های فرزند پروری والدین است. منظور از شیوه های فرزند پروری، روش هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می گیرند و بیانگر نگرش هایی است آن ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیار ها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می کنند (نیکویی، طالعی، ۱۳۸۷). هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر شیوه های فرزند پروری والدین بر خودپنداری و رشد اجتماعی دانش آموزان است.

خود پنداره از جمله موضوعات مطرح در روانشناسی است که تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. بخش بزرگی از سلامت روانی و عاطفی فرد بسته به احساسی است که درباره خود دارد در علم روانشناسی دید و نگرش ذهنی که هر شخص نسبت به ابعاد شخصیتی و عاطفی خود دارد را خودپنداره می نامند. این ارزیابی از خود به عنوان عزت نفس شناخته می شود (سدیکایدز، ۱۹۹۳). خودپنداره ارزیابی کلی فرد از شخصیت خودش است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی های ذهنی فرد از ویژگی های خود است که ممکن است مثبت یا منفی باشد. خودپنداره مثبت نشان دهنده این است که فرد خودش را در مقام شخصی با نقاط قوت و ضعف می پذیرد و این امر موجب بالا رفتن اعتماد به نفس او در روابط اجتماعی می شود. خودپنداره منفی منعکس کننده احساس بی ارزشی و بی لیاقتی و نیز ناتوانی خود است (بونگ و اسکالویک، ۲۰۰۳). مطالعات گوناگون نشان داده است که شیوه ی نگرش فرد به خود، در پدید آوردن شکست یا کامیابی وی تأثیر دارد. از این رو، امروزه به عوامل تعیین کننده ی رفتار، از جمله نظام خود و خودارزیابی ها توجه ویژه ای می شود (سعادت مند و سپهریان، ۱۳۹۱). به مفهوم خود به سه دلیل تأکید شده است: اول اینکه آگاهی از خود نشان دهنده جنبه مهمی از تجربه ذهنی انسان است. دوم اینکه تعداد جالب توجهی از پژوهش ها نشان می دهند که چگونگی احساس انسان از خود در بسیاری از موقعیتهای رفتار او اثر میگذارد و سوم اینکه مفهوم خود برای بیان جنبه های سازمان یافته و یکپارچه کنش شخصیت به کار رفته است (جلالی، ۱۳۸۶). دیمون و هارت (۱۹۸۲) معتقد هستند خودپنداری دربرگیرنده دانش فرد نسبت به ویژگی ها و توانایی های خود است. منداگلیو و پی ریت (۱۹۹۵) معتقد هستند خودپنداری پدیده ای چهاربعدی است عبارت از: ۱- خودپنداری تحصیلی به معنای اسنادات فرد نسبت به خود در زمینه امور و مسائل شخصی ۲- خودپنداری اجتماعی که در برگیرنده اسنادات فرد در زمینه روابط اجتماعی و کنش متقابل با دیگران است ۳- خودپنداری ورزشی که اسنادات فرد به خود در زمینه بازی ها و ورزش ها را شامل می شود. ۴- خودپنداری ورزشی که درک فرد از خود به عنوان یک انسان خوب یا بد را شامل می شود (کولی، ۱۹۰۲)؛ مید، (۱۹۳۴) و سولیوان، (۱۳۵۳) به نقل از منداگلیو و پی ریت، (۱۹۹۵). راجرز (۱۹۵۹) از اهمیت «خود» در سازگاری رفتار انسانی، سخن گفت. او «خود» را هسته مرکزی شخصیت و اساسی ترین عامل رفتار و سازگاری انسان با محیط میدانست. سطح سازگاری و سلامت روانی ما، حاصل میزان همخوانی یا سازگاری موجود بین خودپنداره و تجربیات ماست. افرادی که از نظر روانی سالم هستند میتوانند خودشان، افراد دیگر و رویدادهای موجود در محیط خود را به

صورتی که واقعاً هستند درک کنند. اینگونه افراد آزادانه نسبت به تمام تجربیات گشوده هستند، زیرا به نظر آنها هیچ چیزی برای خود پنداره آنها تهدیدکننده نیست (شولتز، ۱۳۸۶).

منظور از رشد اجتماعی (Social grows)، تکامل فرد در روابط اجتماعی است به طوری که بتواند با افراد جامعه اش هماهنگ و سازگار باشد (وایتسمن، مایر و کلرمنینگر، ۱۳۸۴). گیدنز معتقد است که شکل و نوع خانواده تاثیرات متفاوتی بر اجتماعی شدن فرزندان دارد. همچنین شیوه های فرزند پروری و انضباط در خانه بر رشد اجتماعی فرد موثر هستند (گیدنز، ۱۳۷۶). با توجه به تاثیر انکارناپذیر خانواده بر اجتماعی شدن و رشد اجتماعی فرزندان تحقیقات گوناگونی در این زمینه صورت گرفته است. از جمله این تحقیقات می توان به تحقیق دیانا باومریند اشاره کرد. دیانا باومریند از دانشگاه کالیفرنیا مجموعه بررسی هایی را انجام داده است که در آن ها مجموعه یا الگوهایی از شیوه های رفتاری والدین مشخص شد. این مجموعه بررسی ها با مقایسه بین والدین کودکانی که در دوران پیش از مدرسه «توانش وسیله ای» در سطح بالایی داشتند و والدین سایر گروه های کودکان آغاز شد.

کودکان توانا آن هایی بودند که از لحاظ استقلال یا رشدیافتگی، متکی بودن به خود، فعال بودن، تسلط بر خود، میل به کاوش، دوستی و جهت گیری به سوی پیشرفت رتبه بالایی گرفته بودند. «باومریند» چنین فرض می کند که کودکان سنین پیش دبستانی که والدین مستبد یا سهل گیر دارند به وابسته بودن تمایل دارند؛ زیرا هر دو نوع والدین می خواهند که بچه هایشان را در برابر استرس ها حمایت کنند. در نتیجه آن ها را از رشد مهارت ابراز وجود و تحمل در برابر ناکامی باز می دارند.

او همچنین دریافت که کودکان دارای والدین مقتدر منطقی، باکفایت تر هستند. بر طبق نظر باومریند والدین مقتدر منطقی مسئولیت پذیری را در کودکان رشد می دهند؛ زیرا والدین با کودکان تعاملات واقع گرایانه و ارتباط رو در رو دارند؛ بنابراین در سنین ۹ سالگی پسران و دختران این والدین از نظر پذیرش مسئولیت های اجتماعی، ابراز وجود در اجتماع و توانش شناختی در سطح بالایی قرار دارند (یاسایی، ۱۳۷۲، ۴۴۸). خود پنداری با محیط خانوادگی گرم و حمایتی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بکن و، رومینگ (۱۹۸۹) ارتباط مثبت بین پذیرش و انسجام خانوادگی را با رشد خود در کودکان تأیید کردند. ریچارد و همکاران (۱۹۹۱) در تحنینی خود دریافتند که محیط حمایتی و گر خانواده با رشد خود در پسران ارتباط معناداری دارد. پژوهش اس لف و هوئل (۱۹۹۴) حاکی از آن است که کنترل در خانواده با عزت نفس رابطه منفی و حمایت در خانواده با عزت نفس رابطه مثبت دارد. هولاهان و همکاران (۱۹۹۵) در تحقیقات خود نشان دادند که بین حمایت والدین و سازگاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. پژوهش حسینی (۱۳۸۰) نشان دهنده آن است که بین عزت نفس و بعد سردی و گرمی خانواده همبستگی مثبت و معناداری در کل نمونه وجود دارد. این همبستگی در گروه پسران تأیید شد، ولی در گروه دختران تأیید نشد. مارتینز و گارسایه (۲۰۰۸) در پژوهش خود رابطه مثبت بین والدین مقتدر گفتگو کننده با سطوح خود بداری فرزندان از جمله خود پنداری علمی، عاطفی، اجتماعی، خانوادگی و فیزیکی را تأیید کردند. پژوهش دانسمور و همکاران (۲۰۰۹) نشان دهنده رابطه مثبت بین شیوه پاسخگویی معافی مادر با شایستگی های و رفتارهای جامعه پسند فرزندان بود. لیندزی و همکاران (۲۰۰۹) نیز نتیجه مشابهی کسب کردند. پیرامون تفاوت های جنسیتی در خود پنداری نیز پژوهش های متعددی انجام شده است و نتایج متناقضی به دست آمده است از جمله میلگرام وینگرام (۱۹۷۶) در تحقیق خود دریافتند که نمره کلی خود پنداری دختران بالاتر از پسران است. جنن و کار ملی (۱۹۷۲) در مطالعه خود گزارش کرد که میان دختران و پسران در خدینداری تحلی تفاوت معناداری وجود ندارد. و اشنیدر و همکاران (۱۹۸۹) در پژوهشی خود نشان دادند که پسران نسبت به دختران خود پنداری بیشتری دارند

## روش پژوهش

شرکت کنندگان در پژوهش به منظور انتخاب افراد نمونه در پژوهش حاضر از ۴ آموزش و پرورش شهرستان کرمانشاه ناحیه ۱ بر اساس نظر کارشناسان آموزش و پرورش به دلیل وسعت پوشش و در برداشتن قشرهای مختلف از لحاظ وضعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی به عنوان نوحه معرف انتخاب شد پس به با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای ابتدا از مجموع مدارس ابتدایی یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه به صورت تصادفی انتخاب شدند سپس از مجموع کلاس‌های پنجم در این مدارس ۴ کلاس دو کلاس بزرانه و دو کلاس دختران انتخاب شدند و مرحله آخر دانش آموزان حاضر در کلاس‌های مذکور به عنوان نمونه در نظر گرفته شده اند بدین ترتیب نمونه آماری پژوهش ۲۰۰ نفر ۱۰۰ پسر و ۱۰۰ دختر به منظور در نظر گرفتن ملاحظات اخلاقی قبل از اجرای پرسشنامه ها هدف از انجام پژوهش به آزمودنی ها توضیح داده شد و رضایت آنها برای شرکت در پژوهش جالب شد و به آنها اختیار داده شد هرگاه خواستند می‌توانند از ادامه همکاری با پژوهشگر انصراف دهند در این مساله برای تحلیل داده ها از روش آمار توصیفی مانند میانگین انحراف معیار و استنباطی مانند ضریب همبستگی پیرسون تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد همچنین داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS تحلیل شدند

## ابزار پژوهش

پژوهش حاضر از سه پرسشنامه استفاده شد ارزیابی خودپنداری از پرسشنامه زمینه یابی ادراک خود SPSS منداگلیو و پی ریت (۱۹۹۰) استفاده شد این پرسشنامه از سه بخش تشکیل شده است بخش اول اطلاعاتی در زمینه متغیرهای دموگرافیک افراد نمونه پژوهش مثل جنس و سن را شامل می‌شد بخش میزان اهمیت نظر افراد که در زندگی نقش دارند پدر مادر بهترین دوست معلم اهمیت دو مقوله تحصیلی اجتماعی دارد و از دانش آموزان خواسته می شود نظر خود را به صورت خیلی مهم و بی اهمیت نشان دهند بخش سوم پرسشنامه شامل ۲۴ سوالات و دانش آموزان خواسته می شود که نظرات خود را بر اساس مقیاس لیکرت از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالف آن مشخص کنند در این پرسشنامه سوال هایی از قبیل احساس می‌کنم بهترین دوستم فکر می‌کند من باهوش هستم بیان کننده دیدگاه ارزیابی بازتابی و سوالهایی از قبل از بچه‌های همسن خود با هوش تر هستم بیان کننده دیدگاه مقیاسه اجتماعی و سوالهایی از قبيله من به خود اثبات کرده‌ام که فردی خوبی هستم بیان کنند.

الف) پرسشنامه سبک های فرزندپروری: دایانا بامریند (۱۹۷۳) فرم اولیه این پرسشنامه را که دارای ۱۰ گویه است، طراحی و ساخته است. این پرسشنامه توسعه حسین پور (۱۳۸۱) ترجمه شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد که پرسش های شماره ۲۸، ۱۴۰ و ۱۲۰ و ۲۶ روی هیچ عاملی بار نمی شوند این پرسشنامه شیوه های فرزندپروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. در مقابل هر عبارت، گزینه های کاملاً مخالفم، مخالفم، تا حدودی مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم برای ارزش گذاری وجود .. دارد. بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری و اقتدار منطقی دارد. و شیوه سهل گیرانه رابطه معنی داری با شیوه قاطعانه نداشت. پودینه و همکاران (۱۳۹۵) برای تعیین پایایی پرسشنامه با استفاده از - آلفای کرونباخ، مقدار ضریب آلفا برای السبک های فرزندپروری مستبدانه مقتدرانه و سهل گیرانه به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۱۷ و ۰/۷۵، به دست آوردند. در این مقاله مقدار ضریب آلفای محاسبه شده برای کل پرسشنامه ۰/۷۲- و برای بسبک مستبدانه، نیک مقتدرانه ۰/۸۲ و سبک سهل گیرانه ۰/۶۸ محاسبه شد و روایی پرسشنامه از طریق عامل تاییدی مرتبه اول صورت گرفت.

ب) پرسشنامه رشد اجتماعی وایلد کودکان این مقیاس توسط وایلند (۱۹۶۵) در آن تجدیدنظری کلی به عمل آمد مقیاس بلوغ اجتماعی وایلند یکی از مقیاس های اندازه گیری توانایی های رشد پا شده است و میزان مسئولیت پذیری و توانایی فرد را در تامین نیازهای عملی میسنجد وایلند باور داشت که می توان کیفیت شایستگی های اجتماعی را با جمع بندی کارهایی که در سنین گوناگون انجام می شود، سنجید. اگر چه این مقیاس گستره سنی تولد تا ۲۵ مانگی را در بر می گیرد، اما نتایج پژوهش ها نشان می دهد که روایی و پایایی آن در سنین پایینتر و به ویژه در گروه های کم توان ذهنی از توانایی بیشتری برخوردار است با استفاده از این آزمون می توان کیفیت شایستگی اجتماعی را در ۸ طبقه بررسی کرد ضرایب پایایی با بازآمایی ۱۲۳ نفر ۹۲ درصد گزارش شده است با این توضیح که فاصله بازآمایی عظیم تا از این ۱ تا ۹ روز بوده است پرستار (۱۳۸۸)

### یافته ها

یافته های پژوهش حاضر به تفکیک یافته های توصیفی شامل (میانگین و انحراف معیار) و یافته های استنباطی شامل (ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون) ارائه شده است.

جدول شماره ۱ میانگین و انحراف استاندارد نمره های گروه ها را در دو متغیر رشد اجتماعی و سبک های فرزندپروری نشان میدهد. چنانچه مقادیر چولگی و کشیدگی یک توزیع در بازه ۲- تا ۲+ قرار گیرد، می توان ادعا کرد که این توزیع، نرمال است. همانگونه که مشاهده می شود، مقادیر جدول زیر شامل قاعده مذکور است لذا می توان گفت داده های تحقیق دارای توزیع نرمال هستند.

جدول ۱. خلاصه وضعیت متغیر سبک فرزندپروری و شاخص های توصیفی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	۳,۶۳	۱,۰۶	-۰,۶۸۰	-۰,۰۵۴
سبک فرزندپروری مقتدرانه	۳,۵۷	۱,۰۷	-۰,۵۲۷	-۰,۲۹۷
سبک فرزندپروری مستبدانه	۳,۵۵	۱,۱۳	-۰,۴۸۸	۰,۶۷۸
کلی	۳,۶۰	۱,۰۹	۰,۵۶۶	-۰,۳۴۳

نتایج آزمون میانگین نشان داد سبک فرزند پروری سهل گیرانه بیشترین میانگین ۳,۶۳ را به دست آورده است و سبک فرزندپروری مستبدانه نیز با میانگین ۵۵,۳ کمترین میانگین را کسب کرده است.

برای پاسخ به این پرسش که : آیا بین سبک های فرزندپروری و رشد اجتماعی رابطه وجود دارد؟

ابتدا از روش ضریب همبستگی پیرسون و بعد از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج در جدول زیر خلاصه شده است.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین سبک های فرزند پروری و رشد اجتماعی

متغیر مستقل X	متغیر وابسته X	ضریب همبستگی R	سطح معنی داری P	نتایج
سبک های فرزندپروری مقتدرانه	رشد اجتماعی	۰,۳۶۷	۰,۰۰۰۱	رابطه دارد
سبک فرزندپروری سهل گیرانه	رشد اجتماعی	۰,۲۰۷	۰,۰۰۰۱	رابطه دارد
سبک فرزندپروری مستبدانه	رشد اجتماعی	۰,۰۷۴	۰,۲۵۶	رابطه ندارد
سبک فرزند پروری مقتدرانه	رشد اجتماعی	۰,۳۳۳	۰,۰۰۰۱	رابطه دارد

مطابق با نتایج مندرج در جدول شماره ۲، میزان ضریب همبستگی مشاهده شده در سطح معنی داری / ۰۰۵ بین سبک های فرزند پروری و رشد اجتماعی ۰/۳۳۳ است. با توجه به اینکه ضریب همبستگی بین متغیرها دارای علامت مثبت است بنابراین رابطه مثبت و معنی داری بین سبک های فرزندپروری و رشد اجتماعی کودکان وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین سبک فرزند پروری سهل گیرانه و رشد اجتماعی ۰/۲۰۷؛ و سبک فرزند پروری مقتدرانه ۰/۳۶۷ و سطح معنی داری کمتر از ۵ درصد به دست آمده است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد بین متغیرها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین سبک فرزند پروری مستبدانه و رشد اجتماعی ۰/۰۷۴ است که در سطح معنی داری مشاهده شده بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد میتوان گفت که بین سبک فرزندپروری مستبدان و رشد اجتماعی رابطه معنادار و مثبت وجود ندارد.

در ادامه برای پیش بینی متغیر ملاک به وسیله متغیرهای پیش بینی از روش رگرسیون چندگانه استفاده شده است، نتیجه رگرسیون معادله ای است که پیشگویی یک متغیر را از روی متغیر مستقل نشان می دهد. در زیر نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی ساده بین سبک های فرزندپروری و رشد اجتماعی کودکان آورده شده است.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیونی بین سبک های فرزندپروری و رشد اجتماعی کودکان

مدل D-Test	R	R2	آمار دوربین واتسون
۱	۳۸۶.۰	۰.۱۴۹	۱.۹۲

جدول ۴. تحلیل واریانس آزمون رگرسیون بین سبک های فرزندپروری و رشد اجتماعی کودکان

مدل	مجموع مجذورها	میانگین مجذورها	درجه آزادی	F	سطح معنی داری P
رگرسیون ۱	۲۰۴۲	۶۸۰	۳	۱۳.۵۰	
باقیمانده	۱۱۶۹۷	۵۰	۲۳۲		۰,۰۰۰۱
جمع	۱۳۷۳۹		۲۳۵		

جدول ۵. ضرایب رگرسیونی بین سبک های فرزندپروری و رشد اجتماعی کودکان

متغیر	ضرایب غیر استاندارد			ضرایب استاندارد شده			سطح معنی داری
	Beta	Std	T	B	Enor		
سهلگیر	۰,۰۰۶	۰,۰۸۳	۰,۰۰۶	۰,۰۷۵	۰,۹۴۰		
استبدادی	-۰,۱۳۵	۰,۰۷۱	-۰,۱۳۶	-۱,۹۳	۰,۰۵۷		
مقتدرانه	۰,۴۷۳	۰,۰۸۸	۰,۴۲۹	۵,۳۵	۰,۰۰۰۱		

متغیر وابسته: رشد اجتماعی

۱- میزان اهمیت نظر افراد: جدول (۱) بیان کننده میزان اهمیت نظر افراد (پدر، مادر، دوست، معلم) از دیدگاه آزمودنی های تحقیق است. همانگونه که ملاحظه می شود، دانش آموزان پسر و دختر نظر مادر خود را در اولویت قرار داده اند.

جدول ۱. میزان اهمیت نظر افراد (پدر، مادر، معلم، دوست) برای دانش آموز پسر و دختر

جنس	دوست	معلم	پدر	مادر
دختران	۲۴/۷	۳۶/۱	۴۵/۱	۴۵/۳
پسران	۱۹/۳	۳۱/۳	۴۰/۷	۴۱/۳

توضیح بیشتر اینکه، دختران و پسران برای نظر مادر و پدر با یک نسبت تقریباً مساوی اهمیت بیشتری نسبت به نظر معلم و دوست قائل هستند. این مقایسه نشان داد که برای دختران و پسران بعد از نظر مادر و نظر پدر، نظر معلم و در نهایت نظر دوست .

۲- میزان اهمیت سطوح مختلف خود پنداری : در ارتباط با میزان اهمیت زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی نتایج حاکی از آن بود که برای دانش آموزان به طور کلی زمینه تحصیلی اهمیت بیشتری نسبت به بقیه موارد دارد. (جدول ۲).

جدول ۲. میزان اهمیت زمینه های تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی در دانش آموزان

ابعاد خودپنداری	میانگین کل	انحراف معیار کل نمونه	میانگین دختران	انحراف معیار دختران	میانگین پسران	انحراف معیار پسران
تحصیلی	۲/۷۹۳۳	۰/۶۱	۲/۷۹۴۹	۰/۶۷	۰/۷۹۱۷	۰/۵۶
اجتماعی	۲/۳۴۶۷	۰/۸۱	۲/۳۷۵۰	۰/۸۳	۰/۳۲۰۵	۰/۸۰
ورزشی	۲/۲۴۶۷	۰/۸۶	۲/۱۸۰۶	۰/۸۴	۰/۳۰۷۷	۰/۸۸
ارزشی	۲/۲۶۰۰	۰/۸۷	۲/۲۶۳۹	۰/۸۲	۰/۲۵۶۴	۰/۹۲

چنانچه در جدول (۲) مشاهده می شود میانگین نمره های نظر دانش آموزان نسبت به سطوح چهارگانه خود پنداری چهار بیان کننده آن است که میزان اهمیت این موارد به ترتیب عبارت هستند از: تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ورزشی است.

۳- همبستگی خود پنداری و ابعاد محیط خانوادگی: نتایج تحقیق در زمینه همبستگی خود پنداری و ابعاد محیط خانوادگی در کل نمونه حاکی از آن بود که بین خود پنداری و بعد سردی و گرمی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ( $P < 0.05$ ). بین خود پنداری و بعد کنترل و آزادی همبستگی معناداری مشاهده نشد. (جدول ۳)

جدول ۳. همبستگی خود پنداری با ابعاد محیط خانوادگی در کل گروه، دختران و پسران

متغیر	سردی و گرمی	کنترل و آزادی
خود پنداری کل گروه	۰/۲۳	۰/۰۵
خود پنداری دختران	۰/۱۷	۰/۰۵
خود پنداری پسران	۰/۰۹	NS

$P < 0.05$

نتایج تحقیق در زمینه همبستگی خود پنداری و ابعاد محیط خانوادگی در دختران و پسران حاکی از آن بود که در گروه دختران بین خود پنداری و بعد سردی و گرمی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ( $P < 0.05$ ) ولی بین خود پنداری و بعد محیط خانوادگی پسران رابطه معناداری وجود ندارد.

۴- مقایسه اهمیت ابعاد مختلف خود پنداری در دختران و پسران: نتایج تحقیق در زمینه مقایسه میزان اهمیت ابعاد مختلف خود پنداری دختران و پسران حاکی از آن بود که در ابعاد خود پنداری تحصیلی، اجتماعی و ورزشی تفاوت معناداری میان دختران و پسران وجود ندارد و تنها در زمینه خود پنداری ارزشی میان دختران و پسران تفاوت معناداری به نفع دختران وجود دارد (جدول ۴).

جدول ۴. آزمون تی میان دختران و پسران در زمینه خود پنداری ارزشی

نوع عامل	جنس	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	مقدار T	سطح معناداری
خود پنداری	پسر	۷۲	۲/۲۵۶۴	۰/۹۲	۱۴۸	۵/۱۲۹	۰/۰۱
ارزشی	دختر	۷۸	۲/۲۶۳۹	۰/۸۲			

چنانچه جدول ۵ نشان می دهد میزان اهمیت زمینه ارزشی برای دختران نسبت به پسران بالاتر است ( $۲۶۳۹/۲ =$  میانگین نمره های دختران،  $۲۵۶۴/۲ =$  میانگین نمره های پسران) که این تفاوت در سطح  $0.01$  معنی دار است.

۵. مقایسه خود پنداری کلی و ابعاد آن در دختران و پسران. به این منظور از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد (جدول های ۵ و ۶):



جدول ۵. میانگین و انحراف معیار نمره های خودپنداری و سطوح آن (تحصیلی، اجتماعی، ورزشی، ارزشی) در دختران و پسران

میزان اهمیت	میانگین کل نمونه	انحراف استاندارد کل نمونه	میانگین دختران	انحراف استاندارد دختران	میانگین پسران	انحراف استاندارد پسران
خودپنداری تحصیلی	۱۹/۱۷	۳/۵۲	۱۸/۳۷	۳/۷۴	۱۹/۹۱	۳/۱۵
خودپنداری اجتماعی	۱۹/۴۸	۳/۴۹	۱۸/۸۶	۳/۴۵	۲۰/۰۵	۳/۴۴
خودپنداری ورزشی	۱۸/۹۱	۳/۷۹	۱۸/۳۱	۳/۶۱	۱۹/۴۶	۳/۸۸
خودپنداری ارزشی	۲۰/۱۹	۴/۰۴	۱۹/۵۸	۳/۳۰	۲۰/۷۴	۴/۵۸

الف: خود پنداری کلی: نتایج تحقیق در زمینه مقایسه خود پنداری کلی در دختران و پسران نشان داد که تفاوت معناداری بین خود پنداری پسران و دختران به نفع پسران وجود دارد.

ب: خود پنداری اجتماعی: نتایج حاکی از آن بود که تفاوت معناداری بین خود پنداری اجتماعی دختران و پسران موجود نیست.

ج: خودپنداری ورزشی: نتایج نشان داد که در این مقوله تفاوت معناداری بین خودپنداری ورزشی دختران و پسران وجود ندارد

د: خود پنداری ارزشی: نتایج تفاوت معناداری بین خودپنداری ارزشی دختران و پسران نشان نداد.

### بحث و نتیجه گیری

دوران کودکی بعنوان سرنوشت ساز ترین مراحل رشد و تحول، تحت تاثیر عوامل متعددی است که خانواده اولین و مهم ترین آنها به شمار می آید. سبک والدین یک سازه روان شناختی است که بیانگر راهکارهای استandarدي است که والدین در تربیت فرزندشان از آن استفاده می کنند سبک های والدین بیانگر نحوه پاسخگویی والدین به فرزندانشان است. شیوه های والدین رفتارهای خاصی هستند، در حالی که سبک های فرزندپروری نشان دهنده الگوهای گسترده تری از شیوه های فرزندپروری است. تئوری ها و نظرات مختلفی در مورد بهترین راههای رشد فرزندان و همچنین متفاوت بودن زمان و تلاش برای والدین وجود دارد که مایل به سرمایه گذاری هستند (اسپرا ۱، ۲۰۰۵). خلق و خوی کودک و الگوهای فرهنگی والدین در نوع سبک فرزندپروری یک کودک تأثیر دارد. (برگر ۲، ۲۰۱۱). تحقیقات اولیه در زمینه فرزندپروری و رشد کودک نشان داد والدینی که فرزندان خود را با پرورش مناسب، استقلال و کنترل صحیح فرزندان تأمین می کنند، کودکانی دارند که به نظر میرسد از مهارت بالاتری برخوردار هستند و از نظر اجتماعی رشد و مهارت بهتری دارند (اسپرا، ۲۰۰۵).

به گفته انجمن روانشناسی آمریکا، شیوه های فرزندپروری در سراسر جهان سه هدف اصلی را شامل میشود: تضمین سلامت و ایمنی کودکان، آماده سازی کودکان برای زندگی به عنوان بزرگسالان مولد و کارآمد و انتقال ارزشهای فرهنگی (۲۰۱۸) APA). تلاش برای بررسی تأثیر شیوههای فرزندپروری بر نتایج کودک پیچیده است زیرا طیف گسترده رفتارهای والدین و طیف گسترده ای از نتایج رفتاری کودک وجود دارد.

یکی از مهمترین عواملی که در رشد اجتماعی و خود پنداری تأثیر می گذارد، فرزندپروری است. مطالعات متعدد نشان می دهد که نوع و سبک فرزندپروری والدین در اوایل سالهای پیش دبستانی مشهود است و در تمام دوران نوجوانی و بزرگسالی ادامه می یابد. . تیار شما است.

بررسی نقش شیوه های فرزندپروری والدین بویژه مادر از این جهت بسیار مهم است که نقش اساسی را در شکل گیری تجارب و شخصیت کودک در سالهای آتی دارد. رشد خود پنداری بعنوان حیطه بسیار مهم رشدی که در حیطه های دیگر نیز تأثیر دارد عامل اثرگذار بر سلامت روان در بزرگسالی می باشد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه های پژوهش نشان داد که ضریب همبستگی بینسبک های فرزندپروری سهل گیرانه و مقتدرانه بر متغیر رشد اجتماعی دارای ارتباط مثبت و معنی دار است اما ضریب همبستگی پیرسون برای متغیر سبک فرزند پروری مستبدانه و رشد اجتماعی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنی داری وجود ندارد. این یافته در مولفه سبک مقتدرانه و رشد اجتماعی با نتایج پژوهش های وطن خواه و مروتی (۱۳۹۵)، یاری و همکاران (۱۳۸۹)، علی آبادی و حسینی (۱۳۹۶) مطابقت دارد، لیکن مولفه سبک سهل گیرانه با اکثر پژوهش های مطابقت ندارد و علت آن ناشی از تغییرات شیوه تربیتی والدین و تغییرات نهاد خانواده در سالهای اخیر می باشد. وطن خواه و مروتی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه فرزندپروری والدین با رشد اجتماعی کودکان پیش دبستانی پرداختند. نتایج نشان داد شیوه فرزندپروری مقتدرانه با رشد اجتماعی همبستگی مثبت داشت. در بخش پیش بینی نتایج رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه بهترین پیش بین برای رشد اجتماعی کودکان می باشد که با نتایج تحقیقات و پژوهشهای انجام شده مطابقت دارد بطوریکه در پژوهشی که توسط دولت شایف در سال ۱۳۹۴ نشان داد سبک های فرزندپروری والدین رابطه معنی داری با هوش هیجانی دانش آموزان داشت.

در تبیین علت عدم ارتباط سبک مستبدانه با رشد اجتماعی را می توان بوسیله اثرگذاری عوامل متعدد تبیین نمود، می دانیم که در مراحل تحول اجتماعی و هیجانی ظرفیت های تنظیم و توجه، جذب شدن به انسان ها، مبادله اجتماعی، شکل گیری ایده ها و پل زدن بین ایده ها (تفکر) به عنوان قابلیت های پایه انسانی ایجاد می شود و بوسیله آنها خودآگاهی، زبان، همدلی، خلاقیت، تفکر و مهارت اجتماعی و هیجانی در کودکان به تدریج پدید می آید (گریسپن ۱، ۲۰۰۷). در رویکرد جامع و فرایند تحول یکپارچه، خانواده اولین و اصلی ترین مسئول وضعیت زندگی کودک است والدین به عنوان مهم ترین و کلیدی ترین افراد کودک از اهمیت بسزایی برخوردار است. این یافته با نتایج پژوهشهای قبلی مطابقت دارد بطوریکه مروتی و همکاران (۱۳۹۵) نشان دادند شیوه فرزند پروری مقتدرانه با رشد اجتماعی همبستگی مثبت داشت.

در تبیین این یافته قابل بیان است که شیوه تربیتی والدین مقتدر که در مورد فرزندشان ثابت قدم هستند، الگوهایی از رفتارهای ابراز وجود و اعتماد را به آنها ارائه میدهند؛ آنها به گفته های کودکان خود گوش می سپارند و گفتگو با آنها را ترویج میدهند، همچنین روش انضباطی آنان توأم با گرمی، منطق و انعطاف پذیری است که به کاهش اختلال رفتاری و افزایش پیشرفت در ابعاد مختلف یاری می دهد. همچنین بین خود پنداری دختران و شیوه تربیتی حمایتی والدین همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد، اما درباره آزمودنیهای پسر چنین همبستگی ملاحظه نشد. نتیجه این پژوهش با نتایج حسینی، (۱۳۸۰)؛ هولاهان و همکاران، (۱۹۹۵)؛ ونتزل و همکاران، (۱۹۹۶)؛ اس لف، (۱۹۹۴)؛ ریچارد و همکاران، (۱۹۹۱)؛ و کوپر اسمیت،

(۱۹۶۷)؛ مارتینز و گارسیا، (۲۰۰۸)؛ دانسمور و همکاران، (۲۰۰۹) و لیندزی و همکاران، (۲۰۰۹) همسو است. نتایج تحقیقات همسو با نتایج این تحقیق حاکی از آن است که محیط خانوادگی حمایت پذیر و گرم، فرصت استقلال، خودشکوفایی و شناخت خود را برای کودکان ایجاد می کند، در حالیکه یک محیط خانوادگی مبتنی بر کنترل، کودکان را در یک چهارچوب انعطاف ناپذیر قرار می دهد و فرصت خودشناسی را از آنها سلب می کند. همچنین جامعه پذیری در دختران با تأکید بر روابط میان فردی، حساسیت نسبت به دیگران و وابستگی به دیگران همراه است در حالیکه در پسران تجارب اجتماعی شدن بیشتر با تسلط بر فعالیتهای اکتشافی همراه است (بلاک، ۱۹۸۳). بر اساس تفسیر هارتر، تفاوت مذکور از تفاوت موجود در مکانیزمهای اجتماعی شدن نزد دختران و پسران ناشی است. دختران بیشتر در چهارچوب ارزش های خانوادگی قرار می گیرند و به ارتباط با دیگران و تعهد خویشتن اهمیت بیشتر می دهند، پسرها برعکس از استقلال و خودنامی بیشتر بهره مند هستند و ارزش دیگرانی که با آنها در ارتباط های هیجانی قرار می گیرند، کمتر از منطق اخلاق و تعمیم های اجتماعی آنها است (به نقل از محسنی، ۱۳۷۵).

از دیگر نتایج پژوهش آن بود که بین خود پنداری دختران و پسران تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه پژوهش این فرضیه را تأیید کرد که بین خودپنداری پسران و دختران به نفع پسران تفاوت آماری معناداری وجود دارد. این نتیجه با نتایج جکسون و همکاران (۱۹۹۶)، اشنیدر و همکاران (۱۹۸۹)، گامبینو و همکاران (۱۹۹۰) همسوست، اما نتایج مذکور با نتایج تحقیقات مشابه البرزی و سامانی (۱۳۷۸)، میلگرام و میلگرام (۱۹۷۶) ناهمبستگی است. نتایج حاصل از تحقیقات مشابه با این تحقیق عمدتاً "متفاوت است و این امر نشان دهنده وجود عوامل متعدد تأثیر گذار بر خودپنداری است. یکی از عوامل مهم و مؤثر در پیدایش نتایج حاصل از این تحقیق، در کسب نتیجه پژوهش حاضر، بافت خانوادگی و سنتی حاکم بر جامعه ما است. فرهنگ ما همواره بر پرورش استقلال و وابستگی نداشتن پسران تأکید بیشتری می کند. و جامعه نیز اغلب پذیرای رفتارهای خودمختارانه در پسران است. همانگونه که از نتایج این تحقیق و تحقیقات مشابه بر می آید بین ابعاد خود پنداری و رشد اجتماعی کودکان و شیوه فرزند پروری والدین همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر تقویت جنبه های خود پنداری و رشد اجتماعی در کودکان با حمایت های دلگرم کننده والدین عملی می شود. لذا به والدین دارای فرزندان دختر و پسر توصیه می شود تا در موقعیتهای مختلف نسبت به حمایت منطقی و آگاهانه کودکان خود اقدام کنند و استمرار آن را نیز در وضعیت های مختلف تربیتی و آموزشی حفظ کنند. همچنین توصیه می شود تا از ایجاد شرایط غیر حمایتی، انعطاف ناپذیر، رعب انگیز و تحمیلی درباره کودکان پرهیز شود.

## منابع

- سیف، علی اکبر (۱۳۹۸). روان شناسی تربیتی. انتشارات دانشگاه پیام نور
- قارخانی، معصومه (۱۳۹۱). دولت و سیاست سلامت در ایران، سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی، شماره ۶۱ ص ۳۳-۱۱. - جان فدا، مریم؛ امین یزدی، سیدامیر؛ کارشکی، حسین. (۱۳۹۳). بررسی نقش شیوه های فرزندپروری مادر بر رشد هیجانی کارکردی کودکان زیر سه و نیم سال ۱۳۹۳. نخستین کنگره بین

المللی جامع روانشناسی ایران، تهران، مرکز همایشهای توسعه ایران ۱۳۹۴ - مومنی شاهندشتی، سیده معصومه (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری مادران با

کمال گرایی و شیوه فرافکن فرزندان نوجوان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی

دانشگاه تهران. - کریمی زندی، محسن؛ بهرامی احسان، هادی؛ رضازاده، محمدرضا و پورحسینی، فاطمه. (۱۳۹۳).

البرزی، شهلا و سیامک سامانی، (۱۳۷۸). مقایسه خودپنداری در میان دختران و پسران مقطع

راهنمایی مراکز تیزهوش شهرستان شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز،

بهار ۱۳۷۸، ص. ۲۰-۳. حسینی، مریم، (۱۳۸۰). بررسی قدرت پیش بینی کنندگی عزت نفس توسط رشد خود، شیوه های فرزند پروری و جنسیت در مقطع پیش دانشگاهی شهرستان شیراز، پایان نامه.

Communication Competence and Self-Control, Social Development, v18 n2

p375-396. Holahan, C. J, Valentiner, D.P & Moos, R.H, (1994). Parental support, coping

strategies, and psychological adjustment, an integration model with late

adolescents, Journal of Youth and Adolescence, 24 (6), 633 648. Jakson,L & et al, (1994).

Gender and Self-Concept.A Reexamination of Stereotypic Differences and the Role of Gender Attitudes, Sex Roles, 30, 615

630. Johnson, C & Gormly, J, (1972). Academic cheating: the contribution of sex,

personality and situational variable, Development Psychology, 6, 320 325. Martinez, I & Garcia, J. F, (2008). Internalization of Values and Self-Esteem

among Brazilian Teenagers from Authoritative, Indulgent, Authoritarian, and Neglectful Homes,

- Berger S., Kathleen.(18 February 2011). The Developing Person Through the

Life Span(8th ed.). Worth Publishers. pp. 273278. ISBN 978-1-4292-3203-6. Lea Bomstein, BA, Marc H. Bomstein, Parenting Styles and Child Social Development ; PhD University of Pennsylvania, USA, National Institute of Child Health and Human Development, USA December 2014, 3rded. Dwairy, M., & Menshar, K. E. (2006).Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. Journal of Adolescence, 29, 103-117. Darling-Churchill, K. E., & Lippman, L. (2016). Early childhood social and emotional development: Advancing the.

field of measurement. Journal of Applied Developmental Psychology, 45, 1-7. Early Child Development in Developing Document Countries .(2015). Published: September 24.

E.Berk Laura , (2013). Child Development, 9th Edition. - Fogel (1997). Monographs of the Society for Research in Child Development, Volume 77, Issue 3.

Questionnaire:a dimensions and styles parenting BA. The Kimble reconceptualization and validation.Oklahoma Oklahoma State University, 2015.

Children, The Journal of Genetic Psychology, 129, 180 194. Richards, Maryse H, Gitelson, Idy B & et al, (1991). Adolescent Personality in

Girls and Boys: The Role of Mothers and Fathers, Psychology of Women

Quarterly, 15, 65 81. Rosenberg, M & Pearlin. L. I, (1978). Social class and self-esteem among.

children and adults, Am.J. Social, 84 , 53 57. S. Ieff, S & Hoyle, R.H, (1994). Young athlete s perception of parental support

and pressure, Journal of Youth and Adolescence, 42 (2): 187 203. Schneider, B.H, Cloyg, M.R, Bryne, B.M, Landinghamane J.E. & Cronbie E,

(1989). Social relations of gifted as a function of age and school program,

Journal of Educational Psychology, 51, 48 55. Shavelson, R.J, Hubner,J.J & Stanton,G.C, (1976). Self-Concept: validation of

construct interpretations, Review of Educational Research, Coopersmith, S &

Feldmen, R, (1976),46,407-411. Wentzel, K & Feldman, S, (1996). Relations of cohesion and power in family

dyads to social and emotional Adjustmen during early adolescence, Journal of Research on Adolescence, 6,25 44.